

* قواعد درس دوم _ عدد و معدود *

* در عربی همانند زبان فارسی، دو نوع عدد داریم:

الف) اعداد اصلی (شمارشی) که برای شمارش بکار می‌رود؛ واحد، اثنان، ثلاثة و

ب) اعداد ترتیبی که برای بیان کردن ترتیب و درجه بکار می‌رود: الاول ، الثاني، الثالث و ...

* در عربی به اسمی که قصد شمردن آن را داریم، معدود می‌گوییم ﴿ اربعة تلاميذ. / اثنا عشر كتاباً / ﴾ اینجا کلمات « تلاميذ، كتاباً » معدود هستند.

* اعداد اصلی (شمارشی)

* معدود در همه ی اعداد اصلی، به غیر از عدد یک و دو، بعد از عدد می آید :

كُرسى واحد. (یک صندلی) / قلمان اثنان (دو مداد) / نافذتان اثنان (دو پنجره)

اینجا به ترتیب کلمات « کرسی، قلمان، نافذتان » معدود هستند و قبل از عدد قرار گرفته اند، اما دقت کنید که فقط در اعداد اصلی یک و دو معدود قبل از عدد می آید، و در سایر اعداد ابتدا عدد و سپس معدود می آید.

مثال: خمسة كُتب. ﴿ خمسة : عدد / كُتب : معدود

* اعداد اصلی یک و دو برای معدود خودشان بعنوان صفت محسوب میشوند:

رجلين اثنین ﴿ اثنین : صفت

﴿ بنابراین چون در عدد یک و دو، عدد و معدود بعنوان موصوف و صفت هستند باید در تعداد و جنسیت با هم مطابقت داشته باشند.

شجرة واحدة ﴿ هردو مفرد مؤنث III کتابان اثنان ﴾ هر دو مثنی مذکر

* گاهی عدد ها بدون « ة » می آیند که در معنی آن تاثیری ندارد. ﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ.

(و قطعاً به موسی ۹ نشانه ی آشکار بخشیدیم.) ﴿ اینجا کلمه ی « تسع » بدون « ة » آمده است.

* برای یادگیری سریعتر قواعد معدود از شعر زیر استفاده میکنیم ﴿

۱- ز سه تا ده همه جمع است و مجرور

۲- ز ده تا صد همه فرد است و منصوب

۳- ز صد برتر همه فرد است و مجرور

* توضیحات مربوط به شعر صفحه قبل :

۱- یعنی معدود اعداد ۳ تا ۱۰ باید جمع و مجرور باشد (البته در ترجمه نباید معدود را بصورت جمع ترجمه کنیم)

مثال: خمسة أمتارٍ (شش متر) ۱۰ امتارٍ ۱۰ معدود و به شکل جمع و مجرور میباشد.

جمع مذکر سالم: باید آخر آن (ینَ) داشته باشد.

* ویژگیهای یک اسم جمع و مجرور

جمع مونث سالم و جمع مکسر: حرکت حرف آخرشان ___ یا ___ باشد.

* از سه تا ده عدد و معدود از لحاظ جنسیت باید برعکس همدیگر باشند یعنی با معدود مذکر، عدد مونث و با معدود مونث، عدد مذکر می آید؛

مثال: خمس نوافذٍ (مفرد نوافذ کلمه ی نافذة و مونث هست پس باید عدد بصورت مذکر بیاید)

سِتة آیامٍ: (مفرد ایام کلمه ی یوم و مذکر هست پس باید عددش بصورت مونث بیاید)

۲- یعنی معدود اعداد ۱۱ تا ۹۹ بصورت مفرد و منصوب می آید ۱۰ احدَ عشرَ کوکباً ۱۰ اینجا کوکباً معدود و به شکل

مفرد و منصوب آمده است. (منظور از منصوب بودن یک کلمه مفرد این است که حرکت حرف آخر آن ___ یا ___ باشد.)

۳- یعنی معدود اعداد ۱۰۰ و بالاتر از ۱۰۰ (فقط اعداد رند) بصورت مفرد و مجرور می آید ۱۰ لیلَةُ القَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

(شب قدر بهتر از هزار ماه است.) ۱۰ اینجا کلمه ی « شهر » معدود هست و چون عدد « ألف » از ۱۰۰ به بالا هست پس باید معدودش هم بصورت مفرد و مجرور بیاید. (منظور از مجرور بودن یک کلمه مفرد این است که حرکت حرف آخر آن ___ یا ___ باشد.)

* قواعد معدود اعداد غیر رند بالاتر از ۱۰۰ در سطح کتاب درسی نیست.

* به اعداد بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود، « عقود » میگوییم: ثلاثین یا ثلاثون؛ ۳۰ /

خمسون یا خمسين: ۵۰ / تسعون یا تسعين: ۹۰

* اعداد عقود با توجه به جایگاهی که در جمله دارند، آخرشان « ونَ » یا « ینَ » میگیرند که معنی آن فرقی ندارد.

* در عربی، یکان قبل از دهگان می آید:

مثال: جاءَ أحدٌ و أربعونَ تلميذاً. (چهل و یک دانش آموز آمدند.) ۱۰ اینجا همانطور که مشاهده میکنید ابتدا یکان (واحد)

و بعد دهگان (اربعون) آمده است.

* معادل‌های عدد دو (۲)

مذکر: اِثْنَانِ ، اِثْنَيْنِ
 مؤنث: اِثْنَانِ ، اِثْنَيْنِ

! البته کلمه ی « اثنین » گاهی اوقات به معنی « دوشنبه » هست که در جمله قابل تشخیص میباشد.

اِشْتَرَيْتُ كِتَابَيْنِ اِثْنَيْنِ : دو کتاب خریدم.

ذَهَبْتُ اِلَى طَهْرَانَ فِي يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ : در روز دوشنبه به تهران رفتم.

* معادل‌های عدد (۱۱)

مذکر: اَحَدَ عَشَرَ
 مؤنث: اِحْدَى عَشْرَةَ

* معادل‌های عدد دوازده (۱۲)

مذکر: اِثْنَا عَشَرَ ، اِثْنَيْ عَشَرَ
 مؤنث: اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ ، اِثْنَا عَشْرَةَ

* معادل‌های عدد ۱۰۰: مِئَةٌ ، مِائَةٌ

* معادل‌های عدد ۲۰۰: مِئَتَانِ ، مِئَتَيْنِ

* معادل‌های عدد ۲۰۰۰: اَلْفَانِ ، اَلْفَيْنِ

* اگر بعد از عدد ۲۰۰ و ۲۰۰۰ معدود ذکر شود، در اینصورت حرف (ن) از آخر آنها حذف می شود.

مثال: مِئَتَيْ كِيلُومِترٍ : ۲۰۰ کیلومتر // اَلْفَى سِيَارَةٍ : ۲۰۰۰ اتومبیل

* (برخی اعداد که معادل‌های مختلف دارند بدلیل شرایط مختلف قواعدی می باشد و گرنه معنی آنها یکسان است.)

* اعداد ترتیبی

* اعداد ترتیبی در اکثر مواقع همراه با « ال » می آیند؛ الاول، السادس، التاسع و

* در اعداد ترتیبی معمولاً اول معدود و سپس عدد می آید.

* اگر عدد ترتیبی بعد از معدود آمده باشد، آن عدد نقش صفت خواهد داشت.

مثال ﴿ الدَّرْسُ الثَّامِنُ؛ درس هشتم ﴾ اینجا کلمه ی « الثامن » برای کلمه ی « الدرس » صفت محسوب میشود.

* در اعداد ترتیبی دو رقمی مانند اعداد اصلی دو رقمی ابتدا یکان و سپس دهگان می آید.

الخامس و الثلاثون : سی و پنجم

* اعداد عقود اصلی و ترتیبی یکسان هستند با این تفاوت که اعداد عقود ترتیبی همراه با « ال » می آیند؛ العشرون: بیستم

/ الثلاثون : سی ام و

* عدد ترتیبی (الأول) در حالت مؤنث به شکل (الأولى) می آید ولی اعداد دوم تا نوزدهم با افزودن « ة » به آخرشان تبدیل به مؤنث می شوند.

* نکات کلی اعداد *

* اعداد عقود چه اصلی باشند و چه ترتیبی، برای مذکر و مؤنث یکسان به کار می روند.

مثال : سِتُّونَ طالِباً / سِتُّونَ طالِبَةً

* برای بیان درصد (٪) به عربی، ابتدا عدد صحیح را مینویسیم و بعد از آن عبارت « فِي الْمِئَةِ » را می آوریم.

مثال «عشرون في المئة؛ بیست درصد // ثمانين في المئة؛ هشتاد درصد // ثلاث و اربعون في المئة؛ چهل و سه درصد

* هنگام بیان اعداد چند رقمی به حروف، هر جا در فارسی از حرف (و) استفاده میکنیم در عربی هم باید همانجا و به همان تعداد حرف (و) را به کار ببریم :

مثال : ١٣٩٩ ﴿ هزار و سیصد و نود و نه ﴾ ألف و ثلاثمئة و تسعين

*** بیان چهار عمل اصلی ریاضی**

+ برای جمع از کلمه ی « زائد » **×** برای ضرب از کلمه ی « ضرب فی » یا « فی »

- برای تفریق از کلمه ی « ناقص » **÷** برای تقسیم از کلمه ی « تقسیم علی »

و برای بیان مساوی از فعل « یساوی » استفاده میکنیم.

مثال: أَحَدٌ عَشَرَ نَاقِصٌ سِتَّةٌ يُساوي خَمْسَةَ ٥ = ١١ - ٦ // ثلاثة و سَبْعُونَ زائد سَبْعَةٌ يُساوي ثمانين. ٧٣ + ٧ = ٨٠

*** بیان ساعت به عربی:**

* برای بیان ساعت (غیر از دقیقه) از اعداد ترتیبی و برای بیان دقیقه از اعداد اصلی استفاده میکنیم.

مثال: الساعة الثانية و اثنان و ثلاثون دقيقة ﴿٤٥﴾ ساعت دو و سی و دو دقیقه

! البته ساعت یک را باید با عدد اصلی بیان کنیم «الساعة الواحدة»

*** کارگاه ترجمه ***

۱_ در زبان فارسی، معدود فقط بحالت مفرد می آید، بنابراین معدود عربی به هر شکلی که باشد، آنرا بصورت مفرد ترجمه میکنیم.

ثلاثة تلاميذ. «سه دانش آموز // ثلاثة عشر كتاباً. «سیزده کتاب // خمس مجلات. «پنج مجله

۲_ گاهی یک حرف اضافه بعد از فعل می آید که معنی فعل را تغییر میدهد: ﴿٥٦﴾

جاءَ ؛ آمد. / جاءَ بَ ؛ آورد.

ذهبَ ؛ رفت. / ذهبَ بَ ؛ برد.

قامَ ؛ ایستاد، بلند شد. / قامَ بَ ؛ پرداخت، اقدام کرد.

! دقت کنید که گاهی بین فعل و حرف اضافه فاصله می افتد ولی این فاصله در معنی آن تاثیری ندارد.

مثال: جاءَهُم بِالْحَقِّ؛ حق را برایشان آورد.

اینجا بین فعل جاء و حرف اضافه ی « ب » توسط ضمیر « هُم » فاصله افتاده ولی معنی فعل « جاء بَ » تغییری نکرده است.